

افزایش نرخ تورم و تنزل هولناک سطح معیشت کارگران

در طول یک ماه گذشته، بهای اغلب کالاهایی که روز مرد نیاز توده مردم اند، بین ۶ تا ۲۰ درصد افزایش یافته اند. به چند نمونه در زیر اشاره کنیم:

دریک ماه گذشته بهای هر کیلو گوشت گوسفند ۷ درصد افزایش یافت و به ۳۶۵۰ تومان رسید. گوشت گوساله با ۱۰ درصد افزایش به ۳۷۵۰ تومان و گوشت مرغ با ۱۲۵۰ تومان دره کیلو رسید.

توده های زحمتکش مردم، قدرت خرید برنج

صفحه ۳

در حالی که سران حکومت اسلامی و نهادها و ارگانهای اقتصادی و مالی دولت، آمارهای سراپا کذب در مورد بهبود اوضاع اقتصادی و ازجمله کاهش نرخ تورم ارائه می‌دهند وادعا می‌کنند که در سال جاری نرخ تورم از ۱۳ تا ۱۴ درصد تجاوز نمی‌کند، افزایش بهای کالاهای خدمات اساسی مورد نیاز توده های کارگر و زحمتکش، در هر ماه به رقمی نزدیک می‌شود که رقم ادعایی یک ساله دولت است.

برطبق تازه‌ترین آمار وارقامی که در روزنامه های رسمی رژیم انتشار یافته است، تنها

اعتلای جنبش دانشجویی در گرو استقلال آن از کلیت حکومت اسلامی است

جنبش دانشجویی ایران به ویژه از پنجاه سال پیش بدین سو به جزیی جدایی ناپذیر از جنبش عمومی توده های کار و زحمت ایران در راه مبارزه برای آزادی، دمکراسی و رهایی از یوغ استبداد و نظام سرمایه‌داری تبدیل شده است. در ۱۶ آذر ۳۲ درحالی که کمتر از چهار ماه از کودتای ۲۸ مرداد نمی‌گذشت سه داشت - جو در نهایت شهامت و جسارت جان خود را در این راه گذاشتند. رژیم مستبد شاه پس از آن هم باره‌دانشجویان مبارز و انقلابی را دستگیر، زندانی، شکنجه و کشتار نمود، اما هیچ کدام از این اقدامات سرکوبگرانه باعث نشد کمدانشجویان از بیکار علیه رژیم سلطنتی دست بشویند. زمانی که ستاره‌ی سیاهکل در بهمن ۴۹ درخشیدن گرفت، دانشجویان در زمرة نخستین کسانی بودند که از تولد جنبش نوین کمونیستی ایران پشتیبانی کردند.

بسیاری از آنان به این جنبش پیوستند و به مبارزه بر ضد رژیم شاه ادامه دادند. سلطنت شاهی سرنگون شد، اما رژیم "جدید" که انقلاب ۵۷ را به شکست کامل کشاند به واقع دست رژیم پیشین رادراستمرار اختناق و سرکوب بست. روش بود که رژیم جمهوری اسلامی که نماینده‌ی فکری اجتماعی ترین و واپسگارترین بخش سرمایه‌داری ایران بود نمی‌توانست فضای اندیشمند و ترقی خواه را در دانشگاه تاب آورد. به علاوه قیام شکوفه‌مند

در بهمن تعداد بی‌شماری از دانشجویان و استادان دانشگاهها را به نیروهای چپ و انقلابی پیوند داده بود. ارتجاع اسلامی به رهبری روح الله خمینی تصمیم گرفت تا پس از یک دوره سرکوب در جامعه و در مناطقی از ایران مانند کردستان که مبارزه بر ضد رژیم از همه جادا غتر و پرشورتر بود، به دانشگاهها هم یورش آورد و دانشجویان و استادان

صفحه ۲

دراین شماره

خلاصه‌ای از اطلاعیه‌ها
و بیانیه‌های سازمان

خبری از ایران

خبر کارگری جهان

ضمیمه نشریه کار

جهت گیری و چشم انداز نشست مشترک نیروهای کمونیست و چپ

گفتگوی نشریه کار با رفیق عباس سماکار

کشاند. اگر قرار می‌بود اقتصاد و دولت سرمایه داری ثبات یابد، برخی راه حل‌ها در قبال بیکاری توده‌های در بی پایان بسیج نظامی، جدی و تعیین کننده می‌شوند. راه حل آسان بود: اخراج زنان . با فرامین ۱۸ مارس ۱۹۱۹ و ۲۵ رژانویه ۱۹۲۰، کار- فرمانیان موظف شدند، کلیه افرادی را که کاملاً به کسب دستمزد وابسته نبودند، به ترتیب اولویت زیر اخراج نمایند:

"- زنانی که همسرانشان شاغل بودند

صفحه ۸

در این شماره، آخرین بخش از فصل مربوط به جنبش زنان سوسیالیست آلمان از کتاب مبارزه طبقاتی و رهایی زنان، منتشر می‌شود:

پایان غم انگیز جنبش زنان SPD

طی دوران جنگ، تعداد زنان کارگر از ۹/۵ میلیون به ۱۵ میلیون نفر افزایش یافت. (تونی سن- صفحه ۸۴) پس از جنگ، انقلاب سوسیالیستی آلمان را به نابودی

اعتلای جنبش دانشجویی در گرو استقلال آن از کلیت حکومت اسلامی است

باشدند. اما آیا دانشجویان می توانند بدون تشکل و بدون ارتباط و وحدت با دیگر بخش - های جامعه و درواقع به تنها یی بهمطالبات برحق خود برسند یا در راه تحقق مطالبات عمومی نوده های مردم ایران گام بردارند؟ قطعاً خیر. درحالی که رژیم جمهوری اسلامی تا هنگامی که به حیات ننگین خود ادامه می دهد اجازه تشکیل سازمان های سیاسی و صنفی دانشجویی مستقل را نخواهد داد، دانشجویان می توانند از تجارب گذشته جنبش استفاده کنند. درسالهای دیکتاتوری رژیم شاه، داشت جویان در بسیاری از دانشگاهها دارای کمیته - های مخفی اعتصاب بودند. کمیته های مخفی اعتصاب با توجه به ساختارشان، که تشکیلاتی محدود اما کارا در وضعیت اختناق هستند، می توانند به صورت مقطعي اعتراضاتی را از جمله با راه انداختن اعتصاب در روزهایی مانند ۱۶ آذر به پیش بزن و خود را برای مبارزات گسترده در مقاطع خیزهای نهایی برای سرنگونی رژیم آماده کنند.

جنبش دانشجویی ایران بدون وحدت و پیوند تنگاتگ و سیستماتیک با دیگر بخش های جامعه نمی تواند به موفقیت و پیروزی دست یابد. پیوند و اتحاد جنبش دانشجویی با جنبش طبقه کارگر ایران از اهمیتی چشم نایپوشیدنی برخوردار است. پیوند دانشجو و کارگر در مبارزه یک پیوند دو طرفه است. از سویی دانشجویان چپ و سوسیالیست، دارای این توانایی هستند که نقشی اگاهی دهنده در جنبش کارگری ایفا کنند و از سویی دیگر، جنبش کارگری می تواند تجارت گران بار و شیوه های مبارزاتی خود را به دانشجویان منتقل کند. جنبش دانشجویی ایران دارای یک وظیفه مهم دیگر هم هست. در روزهای اخیر جنبش دانشجویی شاهد تحركات مبارزاتی در میان دانش آموزان بود، ارتباط و پیوند این دو بخش جوانان دارای اهمیت به سزاگی است. ضمن این که اکثریت عظیم دانش آموزان و دانشجویان خود فرزندان کارگران و زحمتکشان هستند و پیوند تمامین بخش های جامعه به نیرویی بزرگ تبدیل می شود که خواهد توانست با یاری دیگر اشاره زحمتکش ایران سیل بنیان کنی را به راه اندازد، سیلی که کلیت رژیم جمهوری اسلامی را با خود خواهد برد و کمیته های مخفی اعتصای کارگران، دانشجویان و دانش آموزان را به شوراهایی تبدیل خواهد نمود که بر سرنوشت خود حاکم خواهند شد. رمز و رازی در کار نیست: استقلال جنبش دانشجویی از کلیت حکومت اسلامی، پیوند و وحدت آن با طبقه کارگر، مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری حکومت شوراهای

وحدت و انجمن های مجاز- در اعلای جنبش دانشجویی مشاهده شد. در اعتراض به حکم اعدام هاشم آغا جری که در پی یک سخنرانی توسط یک دادگاه فرمایشی به مرگ محکوم شد، دانشجویان درسرا ایران اعتراضاتی را آغاز کردند. دانشجویان در اعتراضات خود تنها خواستار لغو حکم اعدام آغا جری و آزادی وی نبودند، آنان آشکارا خواستار آزادی تمامی زندانیان سیاسی شدند. آنان خواستار پایان دادن به هرگونه تقتیش عقاید بودند. اما این بارهم تشکلات دوم خردادری همچون دفتر تحکیم وحدت سدی در مقابل مطالبات دانشجویان شدند. برای مثال هنگامی که بیش از دو هزار دانشجو در روز ۲۶ آبان گذشته در دانشگاه صنعتی اصفهان تجمع کردند و شعار می دادند : مرگ بر دیکتاتور- ای رهبر پیشوشه، ایران شیلی نمی شه- خطیب و رشکت، برگرد به باع پسته؛ اعضای تحکیم وحدت پشت تربیبون قرار گرفته و خواستار قطع این شعار ها شدند و سپس احمد شیرزاد، نماینده دوم خردادری تربیبون فرستادند تا در "آرام" کردن دانش جویان تلاش کند.

پس ازین که اعتراضات دانشجویان در هفته های اخیر هر روز گسترده ترمی شد و ترس و واهمه کلیت رژیم را در برو می گرفت، سید علی خامنه ای وارد میدان شد و دستور داد که در حکم اعدام آغا جری تجدید نظر شود، دوم خردادریها و تشکیلات دانشجویی وایسته به آنان- دفتر تحکیم وحدت- که به ولایت فقیه التزام عملی دارند خواستار پایان تجمعات و اعتراضات دانشجویان شدند. اما همین که موج جدید اعتراضات دانشجویی رو به آرام شدن گرفت، دستگیری ها آغاز شد. دوم خردادری- یها که تا چند روز هیچ سخنی از بازداشت دانشجویان مستقل نگفتند پس از آن که اشخاصی مانند سعید رضوی فقیه و اکبر عطی بازداشت شدند به آنها اعتراض کردند. پس از آن بود که رئیس کل بیدادگاه های اسلامی تهران اعتراف نمود که وزارت اطلاعات دولت خاتمی در جریان بازجویی از دانشجویان قرار دارد. در اینجا باز دیگر روش شد که هر دو جناح رژیم در سرکوب دانشجویان هم دست اند و یک پارچه عمل می کنند. شک نیست که تجربه تلخ اخیر در نهایت به اعتلای جنبش دانشجویی ایران یاری خواهد رساند. اما این اعتلا خود به خودی نخواهد بود و آسان به دست نخواهد آمد. جنبش دانشجویی ایران محتاج استقلال کامل از تمدن جناح های رژیم جمهوری اسلامی- است. امروز دیگر دانشجویان مبارز و انقلابی به خوبی می دانند که نباید به هیچ وجهی به تشکیلاتی مانند دفتر تحکیم وحدت امیدوار

افزایش نرخ تورم و تنزيل هولناک سطح معیشت کارگران

مرغوب ایرانی را که بهای هر کیلویی آن از ۱۲۰۰ تومان نیز تجاوز می‌کند ندارند، لذا آنها نامرغوب ترین برج های وارداتی اروگوئه و تایلندی رامصرف می‌کنند که بهای آنها نازل تر است. در یک ماه گذشته بهای این هر دو نوع برج به ترتیب با ۶ و ۱۰ درصد افزایش به کیلویی ۵۵۰ و ۵۴۰ تومان رسید. روغن نباتی مایع ۹۰۰ گرمی در صد افزایش و بهای آن به ۸۲۰ تومان و روغن نباتی جامد ۴/۵ کیلویی با ۴ در صد افزایش به ۳۳۰ تومان رسید. بهای هر کیلو گوجه فرنگی، پیاز و سبزی نیز به ترتیب با افزایش ۱۵ و ۲۰ در صد همراه بود.

این ارقام تنها نمونه‌هایی از افزایش سراسم آور و عنان گسیخته بهای کالاها در طول یک ماه گذشته است. بهای اغلب کالاها و خدمات دیگر نیز به نسبت های مختلف در همین دوره افزایش یافته است. در طول سه ماهی که به پایان سال مانده است، قطعاً نه تنها این نرخ ها کاهش نخواهد یافت بلکه بالعکس افزایش بیشتری را نشان خواهد داد. چرا که همواره در این سه ماه آخر سال است که بیشترین افزایش بهای کالاها و نرخ تورم وجود داشت. هم به لحاظ بحران اقتصادی و عملکرد سیاستهای مالی و پولی دولت و اشکار شدن کامل عواقب بودجه تورم زای دولت و هم تلاش سرمایه داران برای افزایش بهای کالاها با فرارسیدن عید نوروز و سال جدید.

اگر متوجه افزایش بهای کالاها و خدمات را در ۶ ماه دوم سال برمبنای کمترین در صد افزایش، ۴ در صد در هرماهفرض بگیریم و این رقم را در نیمه اول سال به طورمتوسط در هر ماه ۲ درصد در نظر بگیریم، نرخ تورم در سال جاری حداقل ۳۶ درصد خواهد بود. این بدان معناست که قدرت خرید توده مردم بازهم یک سوم کاهش یافته و سطح معیشت طبقه کارگر به میزانی وحشتناک تنزل یافته و می‌یابد. چنین به نظرمی‌رسد که دیگر در مورد شرایط زندگی طبقه کارگر ایران واژه فقر مطلق هم تمام ابعاد فاجعه را بیان نمی‌کند. کارگران کشورهای دیگر از جمله پیشرفتی ترین کشور های سرمایه‌داری نظیر اروپا، آمریکا و ژاپن نیز با فقر مطلق روبرو هستند. اما این فقر اغلب رابطه معنی با افزایش استانداردهای معیشتی و رفاهی جامعه دارد و به این صورت هم نیست که مثلاً دریک سال، طبقه کارگریک سوم قدرت خرید خود را از دست بدهد. در ایران، فقرمطلقی که طبقه کارگر با آن روبرو است، ابعادی وحشتناک و حیرت آور دارد. کارگران هر چه بیشتر کار می‌کنند، هر چه بیشتر جان می‌کنند، هرچه بیشتر اضافه کاری می‌کنند، هرچه بیشتر استثمار می‌شوند، به همان نسبت فقیرتر و فقیرتر می‌شوند. کارگر به جای ۸ ساعت کار، ۱۲ ساعت کار می‌کند

بی رحمانه ترین و وحشیانه ترین راه حل بورژوازی از طریق انتقال تمام بار بحران به دوش طبقه کارگر و توده‌های تهیه‌ست و ستم دیده است، فجایع چنان عظیمی در ایران به بار آورده است که نمونه آن راکمتر می‌توان سراغ گرفت. تنزل روز افزون سطح معیشت طبقه کارگر، فقیرترشدن روز افزون توده‌های مردم، عمیقت‌رشدن شکاف فقر و ثروت، ابعاد چندین میلیونی ارتش بیکاران، گسترش بی‌سابقه فحشاء و اعتیاد، تنها گوشه‌هایی از نتایج این سیاست اند. معهداً بحران بهجای خود باقی است. رکود پاپر جاست. نرخ تورم همچنان افزایش می‌یابد و هیچ چشم اندازی هم بر بهبود حتاً نسبی اوضاع تحت شرایط موجود متصور نیست. پس حتای بحران راه حل این بورژوازی برای حل بحران با شکست روبرو شده است. اما راحل دیگری وجود دارد. راه حلی که می‌خواهد این بحران را به نفع توده هایی وسیع رحمتکش مرمدم حل کند. این راه حل، می‌خواهد تضادهایی را که موجد بحران - اند از میان بردارد. این بدان معناست که حل قطعی بحران درگرو دگرگونی نظم سرمایه داری و ایجاد نظمی نوین و سوسیالیستی است. حتاً نخستین گام در امر اجرای این تحول و فوری ترین برنامه اقتصادی طبقه کارگر با انتقال تمام بار بحران به دوش سرمایه‌داران و محروم ساختن آنها از تاصاحب ثروت های اجتماعی و سودهای کلان قادر است این بحران را به نفع عموم توده های کارگر و رحمتکش حل کند. چگونه؟

- ملی کردن کلیه صنایع و موسسات متعلق به سرمایه‌داران بزرگ، انحصارات امپریالیستی و نهادهای مذهبی.

- ملی کردن وسائل ارتباطی و موسسات حمل و نقل بزرگ.

- ملی کردن تجارت خارجی و توزیع برنامه ریزی شده کالاها از طریق تعاونی ها.

- ملی کردن تمام بانکها و دیگر موسسات مالی از جمله شرکت های بیمه.

- ملی کردن کلیه اراضی، مرتع، جنگل ها و تمام منابع طبیعی و زیرزمینی.

- برقراری کنترل شوراهای کارگری بر تولید و توزیع و لغو اسرار بازارگانی.

- الغاء مالیات غیر مستقیم و برقراری مالیات تصاعدی بر ثروت، درآمد و ارث.

- سازماندهی تولید و توزیع به شکلی سازمان یافته و برنامه ریزی شده.

این است، ریوس فوری ترین اقدامات سیاست اقتصادی پرولتیری برای حل بحران اقتصادی موجود. بدیهی است که اجرای چنین برنامه اقتصادی مبنوط به سرنگونی بورژوازی و تجسم سیاسی قدرت آن، جمهوری اسلامی و برقراری حکومت شورایی کارگران و رحمتکشان ایران است.

تنها این راه حل، پاسخی فوری و رادیکال به بحران اقتصادی موجود است. ما مدافعان این راه حل هستیم.

* اعتصاب کارگران راه آهن در بلغارستان

روز ۲۷ نوامبر، بیش از ۴ هزارنفر از کارگران راه آهن در شهر صوفیه، پایتخت بلغارستان، دست به یک اعتراض یک ساعته زندن. در طی این اعتراض حرکت بیش از ۷۹ قطار مسافربری با اختلال مواجه شد. در این روز کارگران اعتضابی خواستار دریافت دستمزدهای معوجه خود شدند. کارگران اعلام نمودند که این آخرین هشدار آنان به مقامات راه آهن دولتی این کشور است و در صورت عدم دریافت دستمزدهای خود در اوایل ماه دسامبر، به طور یک پارچه دست به اعتضاب نامحدود خواهند نزد.

* اعتساب غذای معدنچیان در مقدونیه

اکنون بیش از ۳ ماه است که بیش از ۵۰۰ نفر معدنچی در معادن قلع و روی در منطقه (SASA) واقع در ۱۶۰ کیلومتری پایتخت مقدونیه، اسکورپیه، دستمزدی دریافت نکرده‌اند. مقدونیه، که پس از آلبانی، فقیرترین کشور اروپاست با بحران کمرشکن اقتصادی دست بهگریبان بوده و عدم پرداخت دستمزد ها به مدت ۳ ماه معنی دیگری جز تشدید غیرقابل تصور فقر و فلاکت و مرگ ناشی از گرسنگی این معدنچیان و زنان و کودکان آنها نداشته است. این شرایط سیاه دیگر کارد را به استخوان معدنچیان رسانده و روز ۲۲ نوامبر، تمامی کارگران این معدن در تونل های ملو ازگرد و غبار و تاریک در اعماق ۴۰۰ متری زمین دست به یکاعتصاب غذای نامحدود زدند. اعتصابیون اعلام نمودند عدم پرداخت دستمزدها به این خاطر است که مقامات دولت، که در پی واگذاری این معدن به سرمایه‌داران خصوصی هستند، بالین کار هزینه های جاری این معدن را به حداقل رسانده و در نتیجه این معدن به ارزان ترین قیمت به دست انحصارات بزرگ امپریالیستی خواهد افتاد. این نیزیماد دیگری جزا خراج بخشی از کارگران نخواهد داشت. مقامات دولت همچنان به ادعاهای ریاکارانه خود ادامه داده و بهبهانه خالی بودن خزانه دولت، هیچ اقدامی برای نجات حان معدنچیان به عمل نیاورند. اعتصابیون اعلام نمودند که این حرکت تا رسیدگی و تحقق خواست اعتصابیون ادامه خواهد یافت. در همین حال بیش از هشت هزار کارگر مراکز بافندگی در سراسر مقدونیه چند روز است که در اعتصاب به سر برده و خواهان افزایش دستمزدها و دیگر هزینه های رفاهی هستند.

پرتغال: اعتصاب کارگران و کارمندان دولت

اکنون نویت به کارگران پرتابل رسیده است

نتوانستند کارهای آتش نشانان اعتصابی را انجام داده و در طی چندین آتش سوزی،^{۱۵} غیر نظامی جان خود را ازدست دادند. دولت توتی برلرتمام ماشین تبلیغاتی خود را به راه انداخت تا افکار عمومی را علیه اعتصابیون تحریک نماید. اما اعتصابیون اعلام نمودند که مسئول مستقیم تمام این فجایع دولت انگلستان است که تلاش دارد اعتصابیون را تنها از طریق تهدید و ارعاب و به شیوه مارگارت تاچرچ بسکاریاگرگرداند. نخستین دور اعتساب آتش نشانان روز شنبه ^{۳۰} نوامبر خاتمه یافت.
اما اعتصابیون اعلام نمودند که در صورت مخالفت دولت با خواست آنان، روز ^۳ دسامبر برابی دومین بار دست به یک اعتصاب ^۸ روزه زده و سرانجام سومین اعتصاب ^۸ روزه خود را از روز ^{۱۶} دسامبر آغاز می کنند. در عین حال نمایندگان آتش نشانان اعتصابی اعلام نمودند که روز ^۷ دسامبر در خیابانهای لندن راهپیمایی خواهند کرد. و در پی پخش این خبر شورای سراسری اتحادیه های کارگران انگلستان اعلام نمودند که از تمامی اعضاء خود خواهد خواست که در همبستگی با آتش نشانان اعتصابی در این راهپیمایی شرکت کنند. بدرغم تبلیغات همde جانبه علیه اعتصابیون، مردم انگلستان از این مبارزه آتش نشانان حمایت کرده و حتا نظر سنجی روزنامه های بورژوازی این کشور هم نشان از افزایش حمایت مردم دارد. در جریان اعتصاب اخیر، اتحادیه خدمات ^{unison} (هم‌صدا) و اتحادیه عظیم تراپری، خدمات و صنعتی TGWU حمایت و همبستگی خود را با اعتصابیون اعلام داشتند. همچنین دبیر عمومی کنگره اتحادیه های کارگری از دولت خواست از تحریکات بر ضد FBU دست بردار. این امانته آتش نشانان انگلستان نیستند که به یک کارکشیده و در خیابانهای چند شهر به راه پیمایی و برپایی تظاهرات دست زدند. همزمان با این حرکت خیابانهای پاریس هم شاهد اعتصاب و راه پیمایی دهها هزار کارگر و کارمند بود که نارضایتی خود را وضع موجود را به نمایش گذارند. گذشت هزارین، دهها هزار کارگر در چندین شهریزگ در بلژیک، سوئیس، اسپانیا و ایتالیا کارها را به تعطیل کشانده و با راهپیمایی در خیابانها اعتراض خود به وضع موجود راه نمایش گذاشتند. به ویژه پس از پخش خبر تصمیم کارخانه فیات مبنی بر اخراج ^{۸۱۰۰} نفر از کارگران خود، موج وسیعی در همبستگی با کارگران اخراجی سراسر ایتالیا را در برگرفته و موج عظیم و رادیکال جنبش اعتراضی مردم در هر فرستی خشم و نفرت خود را از این اقدامات سرمایه داران به نمایش می گذارند. کارگران ایتالیا اعلام نمودند که روز ^۶ و ^{۱۲} دسامبر دست به یک اعتصاب عمومی یکروزه زده و تمام ایتالیارا به تعطیل خواهند کشاند.

احبّار کارگری جهان



موج وسیع اعتصاب تمامی کشورهای اروپایی را در بر گرفته است. تشدید بحران اقتصادی وادامه تلاش دولت‌های دست راستی در اغلب کشورهای اروپایی برای انتقال باراین بحران بردوش کارگران و زحمتکشان این کشورها، نارضایتی از وضع موجود را در میان مردم افزایش داده و نخستین نشانه‌های مقاومت در مقابل اجحافات این دولت‌ها در میان کارگران بروز نموده است. برای نمونه می‌توان به اعتصاب ماموران آتش نشانی در انگلستان اشاره نمود. دولت تونی بلر تمامی تلاش خود را در هفته‌های اخیر به خرج داد که به هر وسیله ممکن از آغاز اعتصاب ماموران آتش نشانی این کشور جلوگیری نماید. دولت انگلستان به خوبی می‌داند که آغاز اعتصاب در میان بخشی از کارگران به سرعت به دیگر بخش‌ها سرایت کرده و در مدت زمان کوتاهی میلیونها کارگر خواهان افزایش دستمزدها و امنیت شغلی خودخواهند شد. سرانجام تمام این تشبیثات به بن‌بست رسیده و روز ۲۳ نوامبر آتش نشانان انگلستان اعتصاب ۸ روزه خود را آغاز نمودند. از دیگر نشانه‌های عمیق و تشدید مبارزه کارگران در کشورهای اروپایی را می‌توان از خواسته‌های اعتصابیون و میزان توان دولت در تحقق این خواسته‌ها مشاهده کرد. برای مثال در حالی که آتش نشانان انگلستان خواهان افزایش دستمزدهای خود به میزان ۴۰ درصد هستند، دولت این کشور در ابتداء اعلام نمود که تنها قادر است دستمزدها را به میزان ۳٪ افزایش دهد و پس از چندین دور مذاکره بالاخره میزان افزایش دستمزدها از سوی دولت به ۱۶٪ افزایش یافت. اما هنوز شکاف بزرگی بین خواست اعتصابیون و مقامات دولت بوده و در این لحظه بود که انتشار نشانان اعلام نمودند برای به سر عقل آوردن مقامات دولت را دیدگری جزا اعتصاب وسیع و یکپارچه خود نمی‌شناسند. برنامه اتحادیه کارکنان آتش نشانی (FBU) این بود که پس از ۳ نوبت اعتصاب ۴۸ ساعته، یک اعتصاب ۸ روزه و متعاقباً چند اعتصاب دیگر برگزار کند. با به بن‌بست رسیدن مذاکرات، اعتصابات ۴۸ ساعته آغاز شد. با آغاز این اعتصاب، مقامات دولت تونی بلر به رجز خوانی علیه اعتصابیون پرداخته و به فوریت واحدهای آتش نشانی ارتش را به جای اعتصابیون به مراکز اطفاء حریق گسیل کردند. به این ترتیب بیش از ۲۰ هزار فرمانور ارتشی به عنوان اعتصاب شکن به کار گمارده شدند، اما این سربازان

جهت گیری و چشم انداز نشست مشترک نیروهای کمونیست و چپ

گفتگوی نشریه کار با رفیق عباس سماکار

اصولاً اقتشار رحمتکش هم آن را باور می‌کنند و به آن امید می‌بندند و قادر خواهند شد به یاری آن، سازمان‌های مستقل خود برای شرکت در یک تغییر اساسی و انقلاب دست یابند و به خواست‌های شان برسند. مارکس در مانیفست حزب کمونیست می‌گوید؛ «بنش پرولتاریایی، جنبش اکثریت عظیم است در جهت منافع اکثریت عظیم». او معتقد است که جنبش‌های تاکنونی،

حتا اگر جنبش اکثریت جامعه بوده، درجهت منافع اقلیت‌ها سیر کرده است. بنابر این، برای اولین بار، جنبش پرولتاریایی بنیاد کارگر به نفع اکثریت عظیم‌جامعه، یعنی نه تنها به نفع طبقه کارگر، بلکه به نفع همه زحمت کشان؛ به نفع جنبش اقلیت‌های ملی، جنبش زنان، و جنبش دانش‌جویان و جوانان تغییر می‌دهد. پاسخ دادن به منافع تمامی جنبش‌های دیگر اجتماعی در سیاسالیسم، موضوعی ببرونی و مجزا از خود آن نیست؛ بلکه، درونهای از آن است تا سوسیالیسم بتواند ویژگی جهانی اش را پیدا کند و قادر به حل ستم اجتماعی بمطمر کلی شود. پیویند این جنبش‌ها با مبارزات طبقه کارگر موجب غنا و رسیدنش به کیفیت و جایگاه در خور آن است. سوسیالیسم بدون چنین تغییری در تمامیت چهره مناسبات اجتماعی معنایی خواهد داشت.

اما کمونیست‌ها نیازدارند که برای این کار، ابتدا نیروی خود را متمرکز کنند، بر اختلافات نظری و سیاسی و سازمانی شان چیره شوند و ظرف مشترکی را برای حرکت متشکل و متمرکز خود به وجود بیاورند تا داخل تگری آن‌ها در امر سازمان یابی طبقه کارگر و توده‌های مردم ایران مادیت یابد. برهمین اساس هم بود که حدوداً از دو سال پیش، این حرکت در میان نیروهای سیاسی و فعالین کمونیست آغاز شد و یک سال پیش به تشکیل اولین احلاس مشترک انجامید.

کار- ارزیابی شما از نشست اول چیست؟

سماکار- در مدت تدارک "نشست اول" و در زمان برگزاری آن، تمام بحث این بود که تعیین کند کمونیست‌ها بر چه اساسی می‌توانند همکاری باهم را برای یاری به سازمان یابی طبقه کارگر آغاز کنند. شما می‌دانید که به ویژه پس از فزوپاشی اردوگاه شوروی، برداشت‌های گوناگونی از امر سوسیالیسم و چگونگی تحقق آن موجود است. پاره‌ای از نیروها و کسان، سوسیالیسم را امری صراف‌الرزشی می‌دانند که تتحقق آن به آینده‌ای نامعلوم واگذار می‌شود. اما پاره‌ای دیگر، سوسیالیسم را امر "از همین امروز" می‌دانند و برای تحقق آن از همین امروز سازماندهی می‌کنند. بیشتر نیروها و کسانی که در نشست اول گرد آمدند از این دست بودند. البته این امر، به این معنی نیست که حتماً در فردای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی سوسیالیسم در ایران برقرار خواهد شد؛ بلکه، به این معنی است که ما برای تتحقق آن از همین امروز می‌کوشیم و حتا اگر علی‌رغم خواست طبقه کارگر چهره دیگری از سرمایه‌داری جانشینی جمهوری اسلامی شود هم، باز در اپوزیسیون خواهیم ماند و از طریق سازمان‌های پرولتری و توده‌ای و به مبارزه از پائین برای رسیدن به سوسیالیسم دامن خواهیم زد. از همین رو، "نشست اول" بررسه خواسته عمومی و مشخص که مزما را به طور کلی با گرایشات رفرمیست و بورکراتیک روش می‌سازد به توافق رسید. این سه بند عبارتند از:

سرنگونی جمهوری اسلامی، درهم شکستن ماشین دولتی سرمایه‌داری، و استقرار حکومت کارگری و شوراهای کارگران و رحمت کشان در ایران. همان‌طور که می‌بینید، و نشست اول هم به همین رسید، این سه بند برای

کار- بیش از یک سال است که از برگزاری اولین اجلاس و انتشار بیانیه "نشست مشترک نیروها و فعالین کمونیست و چپ" می‌گذرد. اولین سؤال ما از شما این است که با چه پیش‌زمینه‌ای در این امر شرکت کرده ایدوانگیزه و چشم انداز شما چیست؟

سماکار- برای هرکس که به حرکت مردم و مبارزات طبقه کارگر به عنوان اساسی ترین عامل تغییر در بحران عیقیق اقتصادی، سیاسی و اجتماعی حاصل کارکرد رژیم جمهوری اسلامی در ایران علاوه‌مند است، این انگیزه وجود دارد که درجهت رشد این مبارزات و شتاب بخشیدن به دگرگونی‌های اساسی در ایران حرکت کند. از همین رو هم هست که من، به عنوان یکی از این گونه کسان، و به انگیزه دخالتگری و یاری به روند این تغییر، در "نشست مشترک" شرکت کرده‌ام. واقعیت‌این است که توده‌های مردم، و پیش‌بیش آن طبقه کارگر ایران، بیش از همه از نابکاری و ستم و بربیت رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی آسیب دیده‌اند. و همین‌ها هم هستند که نیروی اصلی اعتراض اند و به ویژه در این شرایط، در میدان‌های مبارزه رودررو با رژیم قرار گرفته‌اند و مدام گرسنگی می‌کشند، در بند و زنجیرند و یا در میدان‌های مبارزه، شکنجه و کشته می‌شوند. این اعتراض توده‌ای و مبارزه سرنوشت ساز، توانسته است رژیم را با بحران روپرتو کند و در دنون آن شکاف بیان‌دازد و پاره‌ها و جناحی از آن را به عاقبت اندیشی از سرنوشت محتومی که در برآبرمجموعه نظام قرارداده وادارد. اما، حاصل این مبارزه مرگ و زندگی توده‌های از دارد به حساب همین جناح عاقبت‌اندیش حکومتی و یا دیگر چهره‌های بزک کرده سرمایه‌داری خارج از حکومت گذاشته می‌شود و بسیارند کسان، و جریاناتی در اپوزیسیون خارج از حکومت، و دولت‌های سرمایه‌داری غربی که می‌کوشند، شور و مبارزه مردم را به کانال‌های خاص بین‌دازند تا مباداً یکانقلاب دیگر، این بار مجموعه این نظم بربیت سرمایه‌داری را در ایران برچیند.

در مقابل این وضع، توده‌های مردم و طبقه کارگر قادر تشكیل و سازمان مستقل خود هستند. و روشن است که تا زمانی که این سازمان‌ها به وجود نیاید، حرکت مردم تحت تاثیر جریاناتی قرار خواهد گرفت که تنها می‌خواهند براین موج پرقدرت سوارشوند تا به منزل مقصود طبقاتی خود برسند. حتا اگر جنبش خود انگیخته مردم بتواند جمهوری اسلامی را از میان بردارد باز، بدون تشكیل مستقل کارگری و توده‌ای، نتیجه کار به نفع چهره‌های دیگری از بربیت سرمایه‌داری تمام می‌شود و این روند گرسنگی و بی‌حقوقی و بیکاری و ستم و خفغان همچنان ادامه خواهد یافت. در عین حال، طبقه کارگر اصولاً نمی‌تواند بدون داشتن سازمان سیاسی طبقاتی خود، به ذهنیت روشی از مناسبات ضد سرمایه‌داری و حاکمیت کارگری و نظم شورایی دست باید.

از این رو، اساسی‌ترین وظیفه و محور سیاست کمونیست‌ها این است که تمامی نیروی شان را برای یاری به طبقه کارگر بسیج کنند، تا او بتواند سازمان مستقل خود را به وجود آورد و از این وضعیت دشوار خارج شود. توجه به نکته اخیر در خورده‌قت است. یعنی این فقط طبقه کارگر است که حزب خود را راشکیل خواهد داد. زیرا حزب، تنها با تدوین پلان‌قرم و برنامه سیاسی آن به وجود نمی‌آید که چند نفر کمونیست، بدون ارتباط ارگانیک با طبقه کارگر بتوانند آن را تشكیل دهند. حزب کمونیست، تنها با دربرگرفتن، سازمان دادن و پیوست وسیع توده‌های کارگری، و مبارزه آنها برای تحقق خواسته‌های مشخص است که به صورت واقعی تشكیل می‌شود. یک حزب روی کاغذ، از زمین تا آسمان با یک حزب واقعی توده ای کارگری فاصله دارد و در سایه همین سازمان‌یابی سیاسی کارگری و قدرت ملموس طبقاتی آن در جامعه است که

۱- قطعنامه ارزیابی از اوضاع سیاسی جاری و روند حرکت‌های آن، به اتفاق آراء مورد تصویب قرار گرفت.

۲- قطعنامه ارزیابی از وضعیت طبقه کارگر برای تکمیل به دور بعدی بررسی موكول شد.

۳- پلاتفرم پیشنهادی

الف- در بند اول یعنی، منشور و خواسته‌های کلی به اتفاق آراء به تصویب رسید.

ب- در بند دوم، یعنی در مورد خواسته‌های مشخص به تصویب ۶ عضو شورا رسید و قرار شد دو عضو دیگر، یعنی نماینده "حزب کمونیست ایران" و نماینده "شورای کار" نظر خود را بعداً در باره این طرح ارائه دهد تا "شورای هماهنگی" بتواند با در نظر گرفتن آن، و همچنین با بررسی نظر دیگر فعالین "نشست مشترک" که از طریق بولتن با این طرحها آشنا شده‌اند یک طرح جدید با اصلاحات لازم تهیه کند و از طریق انتشار در بولتن مباحث شماره ۸ به فعالین و "نشست سوم" ارائه دهد.

۴- ساختار سازمانی پیشنهادی "شورای هماهنگی" از سوی همه ۸ نفر مورد تصویب قرار گرفت.

در زمینه تدوین این طرح ها، به ویژه باید در نظر داشت که اگر ما بخواهیم "نشست سوم" به سرنوشت "نشست دوم" دچار نگردد، تدارک سیاسی آن باید طوری باشد که یک و یا حداقل دو طرح مشخص که قبلاً در باره آن ها به اندازه کافی بحث شده باشد به آن ارائه دهیم، تا تصمیم گیری در این نشت ممکن شود، "نشست سوم" که طبعاً مانند دو نشت دیگر جمع و سیعی د رآن شرکت خواهند داشت، جای ارائه خلق الساعه و ناگهانی طرح ها نیست . نمی شود در میان بیش از ۱۵۰ نفر شرکت کننده این نشت، به ارائه تازه یک طرح پلاتفرمی پرداخت و انتظار داشت که بتوان همان جا برسر آن بحث کرد و به نتیجه رسید . این کارها باید قبل از صورت بگیرد. تدارک سیاسی یعنی همین که ما از پیش، همه را با نظرات و طرح های خود آشنا سازیم و به هنگام برگزاری نشت، تنها بخواهیم که در باره این طرح ها تصمیم گیری کنیم.

هم چنین باید در نظر داشت، که ما در این گونه توافقات نمی توانیم از حد اکثر خواسته های خود حرکت کنیم. این گونه همکاری ها، با توجه به پراکنده‌گی نظری سیاسی موجود بین کمونیست‌ها، فقط می‌تواند با در نظر گرفتن وجود مشترک گرایشات‌شرکت کننده‌داده باشد. این حرف به معنای عدول از پرنسپی ها و اصول نیست . توافقات سه گانه "نشست اول" به اندازه کافی بیان‌گر وجود گرایشات اصولی در میان فعالین نشت و خط و مرز بارفرمیس و بورکراتیس هست. اکنون باید این توافقات به مرحله مشخص تر، یعنی تدوین خواست ها و مطالبات کارگری و توده‌ای ارتقاء باید . البته، تدوین این بخش از توافقات هم باز به معنای حد اکثر توافقات مانیست؛ بلکه این امرمی تواند در فرآگرد مبارزات مشترک بیش از این گسترش باید و در سایه برقراری گفتمان مشترک به سطوح بالاتر و وحدت های کامل تری برسد. اما در حال حاضر، روش تر شدن چهره توافقی ما در همین سطح هم، نه تنها به ما کمک می‌کند که نیروی خود را بهتر برای یاری به سازمان بایدی کارگران ایران متوجه کنیم؛ بلکه تصویر روش تری از حرکت ما در ذهنیت عمومی ترسیم خواهد کرد. چرا که توده های طبقه کارگر و مردم عموماً حول شعارهای مشخص و خواست - های روش، و در جریان مبارزه سیاسی برای تحقق آن هاست که سازمان می‌یابند.

کار- بیانیه نشت اول از ضرورت دخالتگری در مبارزه طبقه کارگر و تاثیرگذاری بر آن صحبت می‌کند. نشت مشترک تا کنون در این زمینه چه دست اورده داشته و چه موضع عملی در برابر آن قرار داشته است؟

سازماندهی حرکت در کلیه زمینه‌ها کافی نیست؛ بلکه شما حرکتی ما را به صورت کلی روشن می‌سازد. از این رو، نشت اول یک "شورای هماهنگی" انتخاب کرد که امر تداوم سازماندهی بولتن مباحثات و تدارک نظری و عملی این حرکت را به پیش ببرد و زمینه لازم را برای "نشست دوم" فراهم سازد. یعنی لازم بود که برداشت‌های گوناگون از ارزیابی اوضاع سیاسی و وضعیت طبقه کارگر و امر پلاتفرمی و ساختار تشکیلاتی این مجموعه تدوین شود تا مابتوانیم حرکت کامل خود را سازمان دهیم.

کار- اجلاس دوم را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

سماکار- به نظر من با آن که "شورای هماهنگی" کوشید که در چند شماره بولتن مباحثات، با انتشار نقطه نظرهای مشترک برای تدوین پلاتفرم و قطع نامه های پیشنهادی این همکاری اقدام کند، نتوانست در این کار توفیق یابد. زیرا بهامات کار زیاد بود و نظری یگانه بر سر ضرورت تدوین (ونه چگونگی تدوین) پلاتفرم و ساختار سازمانی وجود نداشت . از این رو "شورای هماهنگی" نتوانست طرح مشترکی را در این زمینه به "نشست دوم" ارائه دهد و "نشست دوم" بدون آنکه بتواند به تصویب پلاتفرم برسد، تنها با انتشاریک "بیانیه پایانی" و انتخاب یک "شورای هماهنگی" تازه برای تدارک بیشتر نظری و سیاسی، و تدوین یک پلاتفرم پیشنهادی در برگیرنده اساسی تربیت نظرات مشترک بین گرایشات موجود و ارائه آن به "نشست سوم" یه کار خود پایان داد. این ناکامی، مجموعه نشت و به ویژه "شورای هماهنگی" را واداشت که به تلاش تازه ای دست بزند. طرح پرسش های گوناگون در بولتن شماره ۶، در مورد ارزیابی از "نشست دوم" و راهیابی برای برونو رفت از این مشکل، به ما مکم کرد که گرایش عمومی برای تدوین یک پلاتفرم و ساختار سازمانی و تدوین نقطه نظرها در مورد وضعیت مبارزات جاری و طبقه کارگر، همچنین چگونگی اوضاع سیاسی را بهتر درک کنیم.

کار- همان گونه که در بولتن مباحثات نیز انعکاس یافته، نشت مشورتی با شرکت نمایندگان گرایشات مختلف برگزارش، این نشت به چه نتایج عملی دست یافت؟

سماکار- بله من هم می خواستم بر سر همین موضوع صحبت کنم . ما در نشت های "شورای هماهنگی" به این رسیدیم که یک "نشست مشورتی" از نمایندگان گرایشات مختلف موجود بروگزارکنیم تا بتوانیم بهارزیابی های مختلفی که بر سر ضرورت و یا عدم ضرورت و همچنین چگونگی تدوین پلاتفرم مشترک و مسائل مربوط به آن وجود دارد به گفتگویی رو در رو و متمرکز بنشینیم و مشخص سازیم که تدارک نظری و سیاسی "نشست سوم" در چه راستایی باید سازماندهی شود.

خوشبختانه، طی این "نشست مشورتی" روش شد که توافق همگانی بر سر تدوین پلاتفرم، ساختار تشکیلاتی و ارزیابی های سیاسی از اوضاع ایران و وضعیت طبقه کارگر در مبارزات جاری موجود است و قرارشده از هرگرایش، به ویژه آن ها که پیشتر نظر پلاتفرمی نداده اند ، طرح های خود را به "شورای هماهنگی" ارائه دهند تا مابتوانیم یک جمع بندی از این مجموعه ارائه دهیم و با انتشار همه طرح ها در بولتن مباحثات، تمامی فعالین "نشست مشترک" را در جریان این مباحثت بگذرانیم و مداخله گری نظری و سیاسی هم را در این مورد دامن بزنیم. همین کار را هم کردیم . نتیجه کار هم به این صورت بود که: غیر از یکی از اعضای "شورای هماهنگی" که طرح پیشنهادی "شورای هماهنگی" را فراتر از سطح توافقات موجود در "نشست مشترک" ارزیابی می‌کرد و به همین دلیل هم به کلیت آن رای نداد، بقیه، یعنی ۸ عضو دیگر به شکل زیر بر سر طرح های پیشنهادی به توافق رسیدند:

- دهی در جهت تحقق آن اهداف استراتژیک اعلام شده به شمار نیاید. زیرا اگر قرار است که مطابق بیانیه نشست مشورتی، محور اصلی سیاست - های این اتحاد یاری به سازماندهی طبقاتی وایجاد تشکل حزبی کارگری باشد، عملاً وجود تشکل های کنونی در یک تشکل واحد آینده، یعنی حزب طبقه کارگر خواهد شد. اما با اتحاد عمل هایی ساده تر از این، تمامیت تشکل و سازمان و حزب هر یک از این گراییات دست نخورده باقی خواهد ماند. و اگر بخواهم بهتر بگویم، تحقق اهداف پلاتفرم پیشنهادی شورای هماهنگی به عهده تشکل و سازمان و حزب خود این گراییات گذاشت می شود. تنها از این منظر است که من می توانم علت مخالفت این گراییات را باتدوین یک پلاتفرم ناظر بر اهداف اعلام شده درک کنم. و من با چنین نظری موافقت ندارم، زیرا این دیدگاه به مسئله پراکندگی جنبش کمونیستی، که علت اصلی این تجمع به ویژه در میان فعالین منفرد کمونیست است بی توجه می ماند و نمی خواهد به حل آن، از طریق دامن به کوشش دیگری برای سازمان یابی تازه طبقاتی اقدام کند. گرایشی هم نظیر خود شما در این اتحاد هست که این حرکت را درسطح یک " اتحاد همه جانبی" ارزیابی نمی کند ولی، بر ضرورت تدوین یک پلاتفرم تاکید دارد. تا آن جا که من فهیمده ام این تفاوت از آن جا ناشی می شود که شما قبول دارید که محور سیاست های این اتحاد، کوشش در جهت سازمان یابی طبقاتی باشد.

کار- مسئله دیگر، درک های متفاوتی است که از این مجموعه وجود دارد. به طور مشخص، برخی گراییات این را از نوع وحدت های سیاسی می دانند و برخی آن را در مقوله اتحاد های حزبی قلمداد می کنند. شما را نیز می توان متعلق به این گرایش اخیر دانست، به لحاظ عملی، مسئله را چگونه می بینید؛ برمبنای تفاوقات نشست اول، همان سه محوری که خود شما به آنها شاره کرده ای، یا فرضاً دقیق تر، برمبنای پلاتفرم و آئین نامه پیشنهادی شورای هماهنگی، می توان این مجموعه را به عنوان یک اتحاد حزبی قلمداد کرد . این مسئله را با توجه به وجود گراییات مختلف و گاه بسیار متفاوت درون این مجموعه و تنوون نظری که وجود دارد، چگونه عملی می دانید؟

سماکار- طبیعی است که برای تحقق مطالبات مشخص پلاتفرم پیشنهادی شورای هماهنگی، و حتا همان سه اصل مورد توافق " بیانیه نشست مشترک اول " راهی جز دخالت گری سازمان یافته طبقه کارگر ایران وجود ندارد. یعنی به نظر من، نمی توان بدون حزب طبقه کارگر از حکومت کارگری در ایران سخن گفت. بنابراین، اگر این اتحاد نخواهد در این راستا حرکت کند، هرگز به تحقق اهداف اعلام شده اش نزدیک هم نخواهد شد. البته توجه دارید که می گویم این مجموعه باید در این راستا حرکت کند، نه این که خود جانشین حزب طبقه کارگر شود.

درواقع اگر دقیق تر توضیح بدهم، من وظیفه این مجموعه را در حال حاضر، و در درجه اول تدوین آن نقطه نظرات سوسیالیستی ای می دانم که پایه های نظری تدوین منشور و آئین نامه تلقی می شود . یعنی من معقدم که الزاماً و در تمام شرایط، پلاتفرم و آئین نامه های حزبی مستقیماً و بلا واسطه از دل جنبش طبقاتی کارگری در نمی آید. بلکه در وجه توضیح نظری، همین جنبش کمونیستی پراکنده و کمونیست های عمدتاً روشنگر خارج کشوری که امروزه در این مجموعه گردآمده اند نیز می توانند به یمن مادیت یافتن اندیشه انتقلابی سوسیالیسم در جهان و درآمد علم انقلاب از دل انتزاعات و "عملی بودن" پدیدار آن در دنیای امروز، به تدوین زمینه ها و پایه های نظری آن اقدام کنند. از این رو در این مقطع، تا عملی شدن راههای تحقق این اهداف که راهی دراز است، ما می توانیم حتاً با تصویرات گوناگون مبنی بر " اتحاد سیاسی " و یا " اتحاد نوعاً حزبی " در این مجموعه به مبارزه ای مشترک دست بزنیم.

سماکار- " نشست مشترک " همان گونه که مسیر حرکت نظری و سیاسی تا کنونی آن را ترسیم کردم ، به فصل مشترک هایی برای توافق نیروهای کمونیست برای دخالت گری در مبارزات طبقه کارگر دست یافته است و تدارک سیاسی " نشست سوم " هم مارا امیدوارمی کند که این روند تکمیل شود. اما در مبارزات سیاسی جاری، و دفاع از مطالبات معین طبقه کارگر ما هنوز حرکت چشم گیری نداشته ایم . و این موضوع از آنجا سرچشمه می گیرد که هنوز روابط کار مشترک ما، مسئولیت ها و شیوه ها و سبک کارها و سیاست های ناظر بر آن روش نیست. توافق برسریک پلاتفرم سازمانی، به ما امکان می دهد که سیاست های کلی مبارزات خود را تنظیم کنیم و برای آن، تاکتیک های حرکت را در مبارزات جاری اتخاذ نمائیم، هم چنین در سایه تدوین پلاتفرم و ارزیابی از اوضاع سیاسی و بررسی وضعیت طبقه کارگر ، امکان دستیابی ما به یک ساختار سازمانی روش و کارا، فراهم خواهد شد. بدون اینها، بدون داشتن یک سیاست روش، و تشکیلاتی که روش و سبک کار آن امکان بسیج نیرو به مابدهد، دخالت گری عملی ما در مبارزات طبقه کارگر، در سطح همین چند حرکت پراکنده تا کنونی باقی خواهد ماند . از این رو ، ضرورت دارد که هر چه زودتر در برگزاری " نشست سوم " تلاش کنیم و پلاتفرم و ساختار سازمانی و سیاست - های عمومی حرکت بعدی خود را تدوین نمائیم. سیر پرشتاب رویدادها و تحولات سیاسی جاری در ایران، و وظیفه ما برای دخالت گری در آن، به ما به عنوان فعالین کمونیست و طرفداران منافع طبقاتی پرولتاریا حکم می کند که در این راستا مسئولانه تر برخورد کنیم.

کار- به مسئله پلاتفرم بازگردیدم؛ مسئله ضرورت تصویب یا عدم تصویب پلاتفرم در نشست دوم به نقطه گرهی بجثها تبدیل شد و این نشست عملاً در این زمینه به نتیجه ای نرسید. در نشست مشورتی که چند ماه بعد برگزار شد، گراییات مختلف درون این اتحاد با صدور بیانیه ای بر ضرورت تدارک سیاسی بیشتر نشست سوم تاکید کردن و از شورای هماهنگی خواستند برمبنای پیشنهادات موجود پلاتفرم، آئین نامه و قطعنامه - هایی پیشنهادی تدوین کنند. شورای هماهنگی هم این کار را انجام داد اما باز می بینیم که پلاتفرم شورای هماهنگی توسط ۶ تن از ۹ عضو این شورا تصویب شده، اما در مقابل آن پلاتفرم دیگری از سوی سایر اعضای شورا رائی نشده است. یعنی، باز به نقطه اغماز بحث بر می گردیم و آن؛ ضرورت و یا عدم ضرورت وجود پلاتفرم است. در عین حال، همان گونه که شما نیز اشاره کردی، روش است که این مجموعه بدون داشتن نام، بدون داشتن طرح مطالبات و مواضع صریح و شفاف نمی تواند حرکت کند. این مسئله را قاعدتاً گراییاتی نیز که مخالف تصویب پلاتفرم هستند می دانند، پس اشکال در کجاست؟

سماکار- راستش من هرچه فکر می کنم، علت قانع کننده ای برای مخالفت گراییات نامبرده با تدوین یک پلاتفرم باشکل و شما پیشنهادی شورای هماهنگی نمی بایم. آن ها همگی در نشست مشورتی برسر تدوین پلاتفرم توافق کردند. در نتیجه تنها می توانم تصور کنم که این رفقاً و گراییات، نمی خواهند به صراحت بگویند که این راسته کارگری " اتحاد عمل ساده در دفاع از مبارزات جاری و مطالبات کنونی جنبش کارگری " می دانند و نه در سطح یک " اتحاد بالاتر کمونیستی " که هدفش یاری به طبقه کارگر برای ایجاد حزب، و برقراری حکومت کارگری و یک نظام شورائی است. فقط در این صورت است که پلاتفرمی نظر آن چه را که شورای هماهنگی پیشنهاد کرده است می توان رد و جای آن چیزی نگذشت و یا طرح بسیار ساده تری به جای آن رائی داد که در واقع پلاتفرمی برای سازمان

زنان' و دفاع از مبارزات ملیت‌های تحت ستم و د انشجویان و جوانان در ایران.

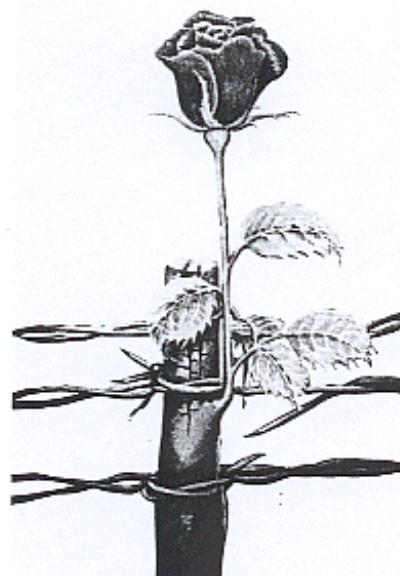
افشای جنایات رژیم جمهوری اسلامی' و افشاری‌اپوزیسیون بورژوازی رژیم. بررسی و جمع‌بندی مبارزات عمومی و مبارزات کارگری، بررسی ظرفیت‌ها و شیوه‌ها و امکانات نوعی تشکل یابی کارگری و توده ای' و انعکاس این جمع‌بندی‌ها از طریق وسائل ارتباط جمعی' به ویژه رو به ایران. تلاش برای برقراری پیوند و ارتباط مستقیم با هسته‌های پیشوای کارگری در ایران و برنامه‌ریزی و مبارزه برای گسترش هسته‌های پیشوای کارگری. تبلیغ و ترویج منابع و آثار سوسیالیستی و جنبش کمونیستی جهان. ایجاد پیوند و همبستگی با جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و دفاع از مبارزات کارگران و مردم رحمتکش و آزادیخواه جهان. این‌ها رؤس برنامه عملی مبارزاتی ای است که در حال حاضر به نظر من می‌رسد.

کار - چه چشم اندازی از حرکت آتی این مجموعه دارد؟

سماکار- من امیدوارم که مجموعه کمونیست‌های گردآمده در این نشست، با حس مسئولیت و انجام وظیفه‌ای که دربرابر جنبش عمومی و مبارزات طبقاتی در جامعه ایران دارند، بتوانند با درک واقعیت‌ها' و تنظیم سیاست‌های واقعاً پاسخ‌گو به دشواریهای سر راه‌خود' به امر رهایی طبقه کارگر و در سایه‌آن، به امر رهایی مجموعه مردم ایران کمک موثری بکنند. اگر "نشست مشترک سوم" قادر شود که به وظایفی که نشست پیشین برایش تعیین کرده است پاسخ بدهد و با یک تدارک سیاسی کافی' به توافقانی فراتر از دو نشست گذشته برسد'، بی‌شك این امید هم ادامه خواهد داشت که بتواند برنامه‌هایی عملی' نظیر آن چه من دربالا از آن سخن گفت و در واقع به نوعی بازتاب نقطه نظرات بسیار دیگرانی نیزدراین مجموعه هست' درپیش گیرد. فقط در این صورت می‌توان از تمرکز واقعی نیروی جنبش کمونیستی در راستای رهایی از بربریت سرمایه داری در ایران سخن گفت و امید رسیدن به جامعه‌ای آزاد را در دل‌ها زنده کرد.

کار- با تشکر از شما برای شرکت در این مصاحبه.

سماکار- از فرصتی که به من دادید' سپاسگزارم.



به گمان من' امروزه در شرایط بسته فعالیت‌های حزبی در ایران' حتا آن جریاناتی هم که نام و عنوان حزب دارندنیز' جز در برخی از مناطق ایران' حرکتی عملی' بیش از آن چه می‌تواند در سطح فعالین "نشست مشترک" به انجام برسد نمی‌کند . ولی برای همین سطح از حرکت'، حتا اگر دفاعیات ساده از مطالبات مبارزات جاری و مطالبات جنبش اعتراضی کارگری هم باشد' نوعی جهتگیری حزبی لازم است که بیانیه نشست مشورتی هم بر آن تأکید داشت . در آینده در روند پیش روی در این راستا' مسلم‌گرایشات نوعاً حزبی به هم نزدیک‌تر می‌شوند و اتحادهای عالی‌تر خواهند ساخت. من نفساً مخالف "اتحاد سیاسی" فرا طبقاتی نیستم . اما معتقدم که برای "اتحاد سیاسی" داشتن سازمان و تشكیلات طبقاتی لازم است. یعنی "اتحاد سیاسی" نمی‌تواند بین سازمان‌ها و افراد رخ دهد؛ بلکه این امر' بین سازمان‌ها و جریانات سیاسی روی می‌دهد . زیرا افراد غیر مشترک' نمی‌توانند از منافع طبقاتی خود به درستی دفاع کنند' و بدون دفاع از منافع طبقاتی' فعالیت خود را فقط در انجام توافقات محدود یک "اتحاد سیاسی" خلاصه سازند . آن‌ها مجبورند تلاش کنند که در یک سازمان کمونیستی گرد آیند. آنها' حتا اگر در سطح نیروهای کمونیست روش‌نگار و با خاستگاه غیر کارگری هم باشند' فقط با پاسخ دادن به پراکنده‌گی خود و متمرکز شدن‌شان در سازمان نوعاً حزبی است که می‌توانند همکاری‌شان بادیگر جریانات سیاسی را در سطح "اتحاد سیاسی" عملی سازند . پس' اگر ما در این مجموعه این امکان را فراهم سازیم که در درجه اول' کمونیست‌های پراکنده بتوانند به انتکاء آن بر موضوع پراکنده‌گی خود غلبه یابند' مشکلی بر سر اتحادهای سیاسی هم وجود نخواهد داشت. واين "امکان" عبارت است از اتخاذ "یک محور سیاسی در راستای سازمان یابی طبقه کارگر" . غیر از این' پاسخ نیافتن این گرایشات' علت وجودی این مجموعه را با بحران روبرو خواهد ساخت . من تنها از این طریق است که به بقای این مجموعه امید دارم.

کار - پیش از این نیز تلاش‌هایی در جهت وحدت نیروهای چپ صورت‌گرفته است. تفاوت این اتحاد را با وحدت‌های پیشین در چه می‌بینید؟

سماکار- از تلاش‌های پیشین در این راستا' نزدیک‌تر از همه به ما (البته در سطح نظری) "اتحاد چپ کارگری" بود که امروزه دیگر عملاً وجود ندارد و اگر چیزی از آن باقی است در سطح دفاع کم رنگ از مبارزات عمومی خلاصه می‌شود و حتا در این مورد هم (مثل نمونه موضع گیری بررسی انتخابات جمهوری اسلامی) با مشکل اساسی روبرو شد.

ایراد اساسی "اتحاد چپ کارگری" در این بود که هرگز به معنی واقعی "اتحاد چپ کارگری" نشد و جهتگیری اصلی خود رادر راستای مبارزات طبقاتی و سازمان یابی طبقه کارگر ایران قرار نداد. افزون بر این' این اتحاد به خصوص به امر وحدت فعالین پراکنده کمونیست بی‌توجه ماند و عملی زمینه دورشدن آنها را از خود فراهم ساخت. امروز می‌بینیم که از مجموعه سازمان‌ها و جریانات افراد و فعالیت‌های غیر مشترک کمونیست'، جز یکی دو سازمان و جریان' کسی گرد آن باقی نمانده است که آنها هم از هدف اولیه خود دور شده‌اند.

کار- چه وظایف عملی باید در دستور کار "نشست مشترک" قرار بگیرد؟

سماکار- به نظرمن' این مجموعه می‌تواند با روشن شدن منشور و پلاتiform و آئین نامه تشكیلاتی اش' در راستاهای عملی زیر جهت گیری کند: دفاع از مطالبات جنبش عمومی و به ویژه مبارزات کارگری' و دفاع از آزادی‌های بی قید و شرط سیاسی و حقوق دمکراتیک' دفاع از جنبش مستقل

بگذار رژیم گور خود را حفر کند

جمعه تهران ضمن اشاره به اجتماعات اعتراضی دانشجویان و جوانان گفتگهاین گونه حرکات موجب شاد کردن "اسرائیل و دشمن" است واز حضور "مردم" ی که به فرمان رهبری اعده نظم وامنیت به صحنه آمده بودند قدردانی و آنان را ستایش کرد.

تمامی این روی دادها حاکی از آن است که رژیم، شرایط هولناک ترا وختناق داشت-ک- تری را دراد تدارک می بیند. با این همه باید گفت که این اولین بارنیست که جمهوری اسلامی بندهای سرکوب وختناق را سفت تر می کند. سراسر حیات این رژیم با کشتار و سرکوب مردم زحمتکش و آزادی خواه عجین است. اگر کشتار کمونیست ها و انقلابیون در سال های اولیه روی کار آمدن رژیم در تهران و گند و کردستان و سایر شهرها واستانها افزاید رفته باشد، اگر روی دادهای خونین سال ۶۰ از اذهان زدوده شده باشد، اگر کشتار و قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ هم فراموش شده باشد، قتل های سیاسی، رویدادهای کوی دانشگاه تهران و سرکوب خونین اعتراضات مردم در تیرماه ۷۸ هنوز از یاد نرفته است. همان طور که ارتکاب این جنایات و کشتارهای فجیع و بیشمار، این رژیم فوق ارتجاعی را نجات نداده است و توده مردم ناراضی اعم از کارگران و زحمتکشان، دانشجویان، زنان و جوانان را خانه نشین نساخته است، هیچ شرایط فوق العاده دیگری هم قادر به چنین کاری نیست.

از آنجا که مجموعه شرایط نسبت به سالهای گذشته تغییر کرده است، از آنجا که پایه های رژیم بسیار باریک تر و نازک تر شده است، از آنجا که دامنه نارضایتی توده ای بسیار گسترده تر شده و درجه آگاهی مردم بسیار بالاتر رفته است و در یک کلام از آنجا که زمینه برآمد و قیام توده ای فراهم تر شده است، به هیچوجه دور از نظر انتظار نیست که توده زحمتکش مردم به جان آمده، این "شرایط فوق العاده" را به زیان رژیم و اهداف آن برهم زندن.

بگذار این رژیم فوق العاده، برای عقب اند اختن سرنوشت محروم خود، شرایط فوق العاده اعلام کند و خیال کند که ازین بست رهای افتاده است، بگذار رژیم به تدارک شرایطی بنشیند که بر آن، از پیش مهر شکست خورده است. در عرض توده مردم زحمتکش نیز اتحاد مبارزاتی خود را در برابر این رژیم ددمنش، تحکیم خواهند بخشید و با گسترش اعتراضات و اعتصابات توده ای و ارتقاء آن به مراحل عالی تر، این رژیم را به زیرخواهند کشید و بادفن لاشهادش در قعر خاک، رژیم رادربرون رفت ازین بست، یاری خواهند نمود. بگذار رژیم گور خود را حفر کند.

ضرب و شتم قرار گرفتند و دهها تن دستگیر شدند. او باشان حزب الهی، مجدد و در ابعاد وسیعی، پی گرد و تعقیب روزنامه نگاران، فعالین سیاسی، نویسندهای و مخالفان را آغاز کرده اند. سخنرانی ها را بهم می زندن، سخن - رانان را تهدید می کنند. کسانی که در لیست سیاه قرار گرفته اند، یک بهیک دارند بازداشت می شوند. تبراند از می کنند و خلاصه به هر وسیله برای ارتعاب مردم متول می شوند. در تهران در مراسمی که به مناسب بزرگداشت قربانیان قتل های زنجیره ای برپا شده بود، مزدوران اطاعتی، لباس شخصی ها و حزب - الهی ها که به کارد، چاقو، پنجه بکس، زنجیر، بی سیم و اسلحه کمری مجهز بودند، در معیت نیروهای انتظامی صفوی مردم را وحشیانه مورد تعرض قرارداده و دههاتن را مضروب و مجروح ساختند. شماری از اعتراض کنندگان روزهای اخیر، ربوه شده و در مکان خفی و نامعلومی حبس شده اند. در چهارمین سالگرد قتل های سیاسی، نه فقط سخنی از افساء نام و مجازات آمرین اصلی و عاملین این قتل های فجیع در میان نیست و تمام وعده - های توخالی دوی خردادی ها مبنی بر پی گیری این مسئله، پوچ و دروغ از آب در آمده است، بلکه ناصر زرافشان و کیل خانواده های پوینده و مختاری دو تن از اعضاء کانون نویسندهای ایران به جرم پیگیری این مسئله به حبس افتاده است. و فقط این هم نیست، او باشان مسلح حزب الهی، در جریان همین اجتماعات، فریبرز رئیس دانا یکی دیگر از اعضاء کانون نویسندهای را تهدید می کنند که با شلیک گلوله در مغز وی، به حساب وی نیز خواهند رسید و علناو را تهدید به مرگ کرده اند!

پاسدار غلامحسین کلویی معاون امریبه معروف و نهی از منکر بسیج، از آمادگی ۲۰ هزار بسیجی سخن گفت و وعده داد که در آینده نزدیک ۳۰ هزار "ناصص" بسیجی سازماندهی خواهند شد که از طریق "تدکرسانی" و بخورد با جریانات "براندز" و "معاند" هر توطئه ای را خنثا و "امنیت" را برقرار می کنند. ذوالقدر جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران نیز به دانشجویان و به سایر اقتشار و نیروهای "مخل امنیت" نظام هشدار داد که بسیج هر لحظه که احساس کند امنیت نظام مورده تهدید قرار گرفته است وارد عمل خواهد شد. بعد از همه این سرکوب ها و بگیر و ببند ها که همچنان ادامه دارد، رهبر نظام اعترافات و اجتماعات دانش - جویی را "ضدیت با نظم" و خواست "سیا و موساد" خواند و رفسنجانی هشتم آذر، در نیماز

این یا آن تضاد و بحران و شکست بن بست، بلکه در اساس به انتکاء سرنیزه و سرکوب و تشدید آن امکان پذیر شده است بی آنکه البته هیچ راهی را برای برون رفت از بن بست گشوده باشد. با یا بدون بهانه، این، محوری - ترین سیاستی است که طی بیش از دو دهه پیگیری شده است تا رژیم، خود را از مخصوصه نجات دهد، حال آن که در مخصوصه جدی تری گرفتار آمده است. در طی دو هفته اخیر و بعد از تهدید خامنه ای مبنی بر وارد میدان کردن "نیروهای مردمی" برای حل مشکلات، البته این باره بهانه حمله احتمالی آمریکا به عراق و عاقب و تاثیرات آن بر جمهوری اسلامی، اقدامات سرکوبگرانه رژیم بیش از پیش تشدید شده است. جناح مسلط حکومتی در تدارک آن است که با اعلام "شرایط فوق العاده" هریانگ مخالف و هر صدای اعتراضی را در نطفه خفه کند و با گسترش فضای رعب و وحشت، مانع بروز جنبش های اعتراضی توده ای شود و در صورت بروز چنین جنبش ها و اعتراضاتی، با دست بازتری به سرکوب و قلع و قمع آن بپردازد.

با وجود آن که یکی از تئوری پردازان جناح مسلط حکومتی در روزنامه رسالت نوشته که هنوز شرایط مقدماتی اعلام شرایط فوق العاده فراهم نیست و بدین وسیله می خواست بگوید که عجالت نیازی به اعلام این شرایط نیست، امادر عمل، "شرایط فوق العاده" نه تنها دارد تدارک دیده می شود، بلکه با ورود بیش از پیش "نیروهای مردمی" بخوان مزدوران سپاه و بسیج و حزب الله - به صحنه و اقدامات و تحرکات آنان، این شرایط بخشنادار پیاده و اجرا هم می شود.

دوباره عربده های تهدید آمیز مزدورانی چون رحیم صفوی، "ذوالقدر" کلویی، "الله کرم" شریعتمداری ویک دوجین دیگر امثال این قدر بندان و آدمکشان حرفا های که در کشتار و آدم ربایی و گردن زدن و زبان بریدن شهره خاص و عام اند، فضای کشور را پر کرده است. گله های بسیجی و لباس شخصی ها که تمام از زیر مجموعه سپاه پاسداران و سازمان اطلاعات رژیم اند، و در نهایت تحت امر "رهبر نظام" قرار دارند وارد خیابان ها می شوند. موقعیت حکومت اسلامی به جایی رسیده است که آنان دیگر اهداف خود را پنهان نمی کنند و صاف و پوست کنده از ضرورت سرکوب خشن و عربان مخالفین و مبارزات اعتراضی توده های مردم سخن می گویند و دارند آن را اجرا می کنند. در جریان اجتماعات وتظاهرات اخیر داشت - جویی، دهها دانشجو در سراسر ایران مورد

أخبار کارگری جهان

خلاصه ای از اطلاعیه ها و یافته های سازمان

«موج جدید بازداشت و سرکوب دانشجویان را محکوم می کنیم» عنوان اطلاعیه ای است که در تاریخ ۵ آذر ماه انتشار یافت. در این اطلاعیه آمده است که در چند روز اخیر دهها تن از دانشجویان در سراسر ایران توسط پلیس و ماموران وزارت اطلاعات دستگیر و روانه زندان شده اند. خبر بازداشت تعدادی از دانشجویان در تهران را معاعون سیاسی و امنیتی استانداری تهران نیز تائید نمود.

اطلاعیه سپس می افاید، رژیم در تلاش است از عقب نشینی جنبش دانشجویی در دو روز اخیر بهره گیری کند و با دستگیری تعداد کثیری از فعالین، مبارزات دانشجویی را مهار نماید.

اطلاعیه ادامه می دهد که هردو جناح رژیم نخست کوشیدند دانشجویان را مرعوب و از ادامه تظاهرات و گردهم آیی های خیابانی بازدارند، یکی از طریق تهدید به سرکوب و دیگری با این ادعای که باید مبارزه را متوقف کرد والا بهانه سرکوب به جناح مرعوب کردن دانشجویان بود. هدف هردو جناح مرعوب کردن دانشجویان بود. حالا که این مبارزه فروکش کرده است، موج بازداشت آغاز شده است.

اطلاعیه سازمان در پایان ضمن محکوم کردن موج جدید سرکوب و بازداشت دانشجویان خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط همه دستگیر شدگان شده است.

مدرسه و مرکز آموزشی تعطیل شد و بیش از یک میلیون دانش آموز راهی خانه های خود شدند. در همین روز صدها معلم اعتصابی در مقابل ساختمان نخست وزیری این کشور تجمع کردند و زمانی که قصد داشتند برای مذاکره با نمایندگان دولت وارد ساختمان شوند باصفوف ماموران ضد شورش پلیس مواجه شدند که ماموریت داشتند از ورود اعتصابیون به این محل جلوگیری کنند. با مشاهده این وضعیت اعتصابیون این بار تلاش نمودند که به سمت پارلمان حرکت کنند که بازهم باصفوف در هم فشرده پلیس مواجه شدند و درنتیجه، این تجمع اعتصابی در همان میدان مرکزی شهر متوقف شد. در همین روز معلمان اعتصابی در بیانیه پایانی حرکت خود اعلام نمودند که گوش آنان از وعده های دولت پر است، اکنون زمان عمل کردن بهاین وعده هاست. در همین اطلاعیه به دولت هشدار داده شده است که اگر چنانچه خواست اعتصابیون تا ۱۷ دسامبر پذیرفته نشود، تمامی معلمان لبنان دست به یک اعتصاب نامحدود خواهند زد.

بخش دولتی دست به یک اعتصاب دو روزه نمودند و خواستار به رسمیت شناختن اتحادیه خود ازسوی مقامات دولت شدند. ازین گذشته در روزه نوامبر، بیش از ۸۰ هزاران مامور پلیس، در مقابل دفتر ریاست جمهوری تجمع نمودند و خواستار به رسمیت شناختن اتحادیه خود ازسوی مقامات دولت شدند. ازین گذشته در روزه نوامبر، بیش از ۸۰ هزاران مامور گران از مراکز مختلف صنعتی کره جنوبی، به ویژه کارگران دو کارخانه اتومبیل سازی Kia و Hyundai، دست به یک اعتصاب یکروزه زدند. در این روز کارگران خواستار توقف اقدامات دولت در زمینه کاهش ساعت کار هفتگی شدند. هر چند کاهش ساعت کار هفتگی از ۲۴ ساعت به ۴۰ ساعت و ۵ روز کار در هفته یک از خواسته های اصلی کارگران کره جنوبی است، اما کارگران با طرح دولت در این زمینه مخالف هستند. چراکه مقامات دولتی در طرح خود تمام تعطیلات رسمی کارگران را با عوام - فریبی حذف کرده و به این ترتیب ساعت فراغت کارگران کاهش ساعت کار هفتگی است. در مقابل کارگران خواستار کاهش ساعت کار هفتگی براساس طرحی هستند که ازسوی کنفرانس ایون از کارگران و کارمندان شاغل دربخش دولتی در عین حال کارفرمایان می توانند کارگران را تحت عنوان کارآموزی "بادستمندی" کمتر از حداقل دستمزدها بهطور موقت به کار بگیرند، خلاصه اینکه تهاجمی همه جانبیه تر علیه حقوق کارگران آغاز شد. در مقابل با این موج، اولین نشانه های مقاومت از میان کارگران و کارمندان دولت بروزگرد. در همین رابطه، روز ۱۲ نوامبر بیش از ۵۰ هزارنفر از کارگران و کارمندان شاغل دربخش دولتی درسراسر پرتاب خود به میک اعتصاب یکروزه زند. در این روز تمامی مدارس، صدها مرکز دولتی خدمات بهداشتی و درمان و ادارات و مراکز اداری تعطیل شده و زباله ها در خیابان - های شهرهای این کشور تلمبار شد. گذشته از مخالفت با دولت، اعتصابیون در این روز خواستار افزایش دستمزدهای خود به میزان ۵ درصد شدند. مقامات دولت اعلام نمودند که دستمزد ها تنها به میزان ۳ درصد افزایش می یابد و قوانین کار هم به رغم نارضایتی و اعتراضات کارگران تغییر خواهد یافت. در مقابل کارگران اعلام نمودند که این بروز دلت را اعلام جنگ رسمی علیه کارگران این کشور می دانند و با تمام قوا به حرکات اعتراضی خود تاعقب نشینی کامل دولت ادامه می دهند.

*** اعتضاب معلمان در کرواسی**

روز ۲۷ نوامبر، هزاران نفر از معلمان مدارس کرواسی دست به یک اعتضاب ۲۴ ساعته زدند. خواست معلمان در این روز افزایش دستمزدها به میزان ۲۰ درصد بود. در این روز هزاران نفر از اعتصابیون دریکی از میادین شهر زاگرب گردهم آمدند و به سمت پارلمان این کشور راه پیمایی کردند. همزمان با تجمع اعتراضی معلمان اعتضابی در مقابل پارلمان، نمایندگان دولت اعلام نمودند که حقوق معلمان در سال جدید تنها به میزان ۳ درصد افزوده خواهد شد. اعلام این خبر خشم اعتصابیون را برانگیخته و آنان به سرعت دست به کار تدارک حرکت اعتراضی و سیع تری شدند که اواسط ماه دسامبر به تعطیلی تمام مدارس و دانشگاه های این کشور منجر خواهد شد. نمایندگان معلمان اعتضابی اعلام نمودند که این مبارزه تا افزایش دستمزدها و بهبود شرایط فلاتکت - بار زندگی آنها ادامه خواهد یافت.

*** اعتضاب معلمان در لبنان**

روز ۲۷ نوامبر، بیش از ۱۰۰ هزار نفر از معلمان مدارس ابتدایی و متوسطه در لبنان دست به یک اعتضاب یک روزه زدند. خواست معلمان در طی این حرکت افزایش حقوق ها، افزایش بازنیستگی و پاداش پایان خدمت بود. با این اعتضاب وسیع و یکپارچه صدها

اواسط ماه دسامبر، انتخابات ریاست جمهوری در کره جنوبی برگزار خواهد شد. همین امر موجب شده که مبارزات کارگران در هفته های اخیر اوج تازه ای بگیرد. نخستین دور اعتراضات کارگری، از میان دهها هزار کارگر و کارمند شاغل در بخش دولتی آغاز شد. صدها هزار کارگر شاغل در بخش های مختلف دولتی از حق تشکیل اتحادیه مستقل خود محروم بوده و شرایط فروش نیروی کار آنان از طریق بخش - نامه های دولتی و تحت کنترل کامل روسای ادارات تنظیم می گردد. در همین رابطه روز ۱۱ نوامبر، هزاران نفر از کارگران و کارکنان

مبارزه طبقاتی و رهائی زنان (۲۶)

اخبار از ایران

از کارگران شرکت کامجویان، دراعتراض به عدم پرداخت حقوق ماهانه و عدم رسیدگی به مشکلات خود دربرابر دفتر شرکت اصلی و مرکزی، دست به تجمع زدند. قابل ذکر است که شرکت کامجویان وابسته به معدن سومنگرد لوشان است و شایعه تعطیلی آن، کارگران این شرکت را نسبت به آینده شغلی خود شدیداً نگران ساخته است. کارگران این شرکت که دربرابر زورگویی های کارفرما بارها دست به اعتراض زده اند، در تجمع اعتراضی اخیر خود نیز خواهان پرداخت دستمزدهای معوقه، ادامه کاری کارخانه وضمانت شغلی خود شدند.

* اعتصاب در کارخانه قند

۱۲۰۰ تن از کارگران و سایر پرسنل شرکت قند میاندوآب، دراعتراض به وضعیت بد کارخانه و شرایط دشوار و نامناسب کار، دست به اعتصاب زدند. با وجود آنکه فرماندار میاندوآب در میان اعتراض کنندگان حاضر شد و تلاش گردید که اعتصاب کنندگان به سر کار برگرداند شوند، اما آنان با تجمع در مسجد کارخانه، از رفتن به سر کار امتناع کردند.

* تجمع اعتراضی کارگران کفش غزال

کارگران کارخانه کفش غزال دورودبار دیگر دست به اعتراض زدند، و با تجمع در برابر دفتر صندوق حمایت از فرست های شغلی، واقع در تهران، خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند. قابل ذکر است که کفش غزال دورود، زیرپوشش صندوق حمایت از فرست های شغلی است. از اوایل سال جاری تمام شرکت هایی وابسته به این موسسه از جمله کارخانه کفش غزال تعطیل و صدها کارگر کار خود را از دست داده اند. کارگران کفش غزال که با ارسال نامه برای مسؤولین، چندین بار خواستار رسیدگی به مشکلات خود شده بودند اما نتیجه های نگرفته بودند، این باره تهران آمدند و با تجمع در برابر دفتر مرکزی موسسه پاد شده، نسبت به تعطیل کارخانه اعتراض نموده و خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند. با تعطیلی کفش غزال، ۲۵۰ کارگر این کارخانه از کار بیکار شده اند.

۷۵۰۰۰ بوده باشد) همانجا-ص ۱۴۵ " طی سال های رکود اقتصادی ۱۹۲۹-۳۳ خرده بورژوازی در مقیاس میلیونی احزاب بورژوازی را ترک کرد تا به صفو نازی ها بپیوندد. BDF نیزگرددش به راست افراطی را دنبال کرد. هیتلر بدھی اش را باز پرداخت نمود. ارگان رسمی BDF موسوم به "زن" که همچنان تحت سردبیری Gertrud Baumer منتشر می شد، تقریباً تا پایان رایش سوم به حیات خود ادامه داد." (همانجا-ص ۲۵۹)

* جنبش زنان در روسیه، موضوع بخش بعدی این کتاب است.

* تجمع کارگران لوله سازی

صبح روز یکشنبه سوم آذر، کارگران لوله سازی خوزستان، بار دیگر دست به اعتراض زدند و با تجمع در برابر "حوزه علمیه" اهواز، خواستار پرداخت حقوق های معوقه و رسیدگی به سایر خواست های خود شدند. بیش از هشت ماه است که حقوق و مزایای نزدیک به ۸۰۰ کارگراین کارخانه، پرداخت نشده است.

* اعتصاب در کشت و صنعت مغان

۱۰۶ تن از کارگران پیمانکار شرکت کشت و صنعت و دامپروری مغان، دراعتراض به عدم پرداخت حقوق های خوبیش دست به اعتصاب زدند و با تجمع در برابر دفتر مرکزی شرکت، خواستار حقوق های عقب افتاده خود شدند. کارگران این شرکت، قبل از نیز در برابر اداره کار و فرمانداری تجمعات اعتراضی برپا کرده بودند که هربار، وعده هایی جهت رفع مشکلات کارگران داده شد اما هیچ گاه به آن عمل نشد. بیش از ۶ ماه است که حقوق ناچیز ماهانه (۶ هزار تومان) این کارگران پرداخت نشده است و کارگران با امتناع از رفتن به سرکار و تجمع در برابر دفتر شرکت، بار دیگر خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند.

* تجمع اعتراضی کارکنان بیمارستان درقم

۵۰ تن از کارکنان بیمارستان "شهید بهشتی قم" دراعتراض به عدم پرداخت حقوق های خوبیش، در برابر استانداری دست به تجمع زدند و خواستار پرداخت نزدیک به ۸ ماه حقوق های معوقه خود شدند.

* تجمع اعتراضی کارگران کام جویان

روز پنجشنبه هفتم آذرماه، بیش از ۱۵۰ تن

و مرام برای ابراز هویت ملی شان متحد می سازد. طی دهه ۲۰ قرن بیستم، رهبری به پیشبرد خط راست ادامه داد و بالاحزابی که بیشترین خصوصت را با حقوق زنان داشت، متحده بود. احزابی که بیشترین تمایل به حقوق زنان را داشتند از جمله حزب دمکراتیک آلمان و در حد وسیع تری SPD، سوسیالیست های مستقل و حزب کمونیست آلمان، در جریان انتخابات از حمایت ناچیز زنان بر خود را شدند. (همانجا - ص ۲۴۲). اما BDF به یک سازمان وسیع توده ای تبدیل شد که در ۱۹۳۱ ادعایی کرد تعداد اعضا ایش تعداد، دو برابر تعداد واقعی بوده باشد، باز هم باید تعداد اعضای آن حدوداً

طبقاتی از طریق رiform اجتماعی و فعالیت رفاه سازمان یافته نماید. به اعتقاد Baume هدف نهایی رهایی زنان، نه برابری صوری که زندگی برابر، تاثیر عمیق و کامل تمام ارزش های زنانه بر فرهنگ ما و مشخصاً مشارکت غنی تر نیروهای زنان در کلیت فعالیت های جهان است. "معنا واقعی" نیروهای مشخصاً زنانه در واقع امریبه گفته Baume، این است که اگر زن خود را به خانه و خانواده محدود کند، تحت شرایط معینی، بدین طریق بیشتر با ایده آل های جنبش زنان تطابق دارد تا این که وارد مشاغل مردانه شود." (همانجا صفحات ۱۵۴-۵). طی سالهای ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۱ BDF کار زاری علیه اخلاقیات نوین بمرار انداخت. BDF قاطعانه از این نظر حمایت می کرد که با سقط جنین باید به عنوان یک جرم که مجازات اش زندان است، برخورد نمود. به باوری غیرقانونی شدن سقط جنین، موجب بروز دیدی پیرامون "مسئلیت اخلاقی در زمینه مسائل جنسی خواهد شد که بهترین نحوی سطح عمومی اخلاقیات در کشور را بالاخواهد برد." (همانجا - ص ۱۵۷) گرایش راست در جنبش زنان شدیداً امپریاليستی بود. Maria Lishnevska که یکی از سخنگویان این گرایش بود چنین استدلال می کرد که برای پیروزی آلمان در مبارزه برای برتري برجهان "ما نیازمند مردمی هستیم که از دستاوردهای ما در برابر گروه های وسیع دشمنان ما دفاع کنند... ما به مردمی نیازداریم که در مستعمرات کنونی و آنها یکی را که در آینده فتح خواهیم کرد، سکونت گزینند... گرایش راست، نژاد پرست بود. یکی از سخنگویان آن درحالی که پیگیرانه از نهادهای خانواده و ازدواج دفاع می کرد، خواهان منوعیت ازدواج نزد های مختلط شد. او می گفت "نیمه کاست" ها اغلب پیشترند و باید از خطر "جمعیت حرامزاده" در کولونی ها بر حذر بود، یکی دیگر از مطالباتی که طی این سالها از محبوبیت برخوردار شد، "عقيم کردن الکلی ها" بود. توجه نسبت به فحشاء به مثابه یکی از ریشه های ناهنجاری های اجتماعی، موجب شد که اولویت سریعتری به فحشاء به عنوان خطری برای قدرت و اصالت نزد داده شود. از این دیدگاه، تنظیم دولتی، سیاستی فاجعه باری بود و این نظرکه آن را باید به عنوان سرمنشاء عده بیماری های مقاربی برآنداخت، زمینه و قدرت یافت. تا ۳۱ ژوئیه ۱۹۱۴ BDF سرویس ملی زنان را با همکاری وزارت کشور بنیاد نهاد تا وظائف تامین اجتماعی را در جبهه داخلی در حین جنگ بر عهده گیرد (همانجا - ص ۲۰۸). هنگامی که جنگ پایان یافت و جمهوری ویمار بنا شد، BDF به طرح اولویت های ناسیونالیستی اش ادامه داد و اعلام کرد BDF "زنان آلمانی را صرف نظر از هر عقیده

مبارزه طبقاتی و رهائی زنان (۲۶)

به من نوشته اند برآن تاکید نموده اند.

"تسلط راست افراطی برجنش بورژوا فمینیستی"

ببینیم درهمین حال برسرفمینیسم بورژوا ای چه آمد؟ اتحادیه رادیکال برای حمایت از مادری و رفم‌های جنسی، درکنفرانس ۱۹۰۸ سازمان فرگیگر زنان بورژوا - فدراسیون سازمان های زنان آلمان - BDF - با شکست قطعی روپرورد. BDF انواع واقسام انجمن - های زنان را متعدد می‌کرد: از سازمانهای فرهنگی، مذهبی، خیریه و ترقیتی گرفته تا گروههای سیاسی فشار، انجمن های زنانه حق رای و انجمن های رفرم های اجتماعی و اخلاقی. اینها صرفا سازمانهای زنان بودند و نه فمینیست.

راست در حال پیشروی بود و با پیوستن برخی انجمن های زنان به BDF این پیشروی تسریع می‌شد. از جمله این سازمان ها یکی اتحادیه زنان آلمان مستعمراتی بود که در ۱۹۰۷ به وجود آمد و فعالیت خود را وقف حفظ خلوص تزاد سفید درکلونی های آلمان از طریق اعزام زنان سفید ازکشور مادر (استعمارگر) کرده بود. در سال ۱۹۱۱ تعداد اعضای این انجمن به ۱۲۰۰ رسیده بود، دیگری، انجمن آلمانی مبارزه با سوءاستفاده از مشروبات الکلی بود که در سال ۱۸۸۳ تأسیس شده بود و در سال ۱۹۱۱ تعداد اعضای آن (که اکثر امرد بودند) به ۳۷۰۰ رسید و بالآخره قدرتمندترین سازمان محافظه کار، اتحادیه زنان پرووتستان آلمان بود. (جنبش فمینیستی - اوان - صفحات ۱۴۷-۹ و ۱۵۱).

تعداد اعضای BDF تا مقطع بروز جنگ فرانسه اول به ۲۵۰۰۰ نفر افزایش یافت. دولت برای اطلاع از نقطه نظرات زنان در مورد مسائلی که فکر می‌کرد مورد توجه و علاقه خاص زنان است، BDF را سازمانی مناسب برای مشورت کردن یافت.

فریدی که چرخش به راست را به خوبی نمایندگی می‌کرد Gertrud Baumer بود که از سال ۱۹۱۰ تا ۱۹۱۹ به مدت ۹ سال رهبر BDF بود. وی چنین استدلال می‌کرد که جنبش زنان باید ملی‌گرا، به معنای حامی سیاست خارجی امپریالیستی تجاوز کارانه و اجتماعی به این معنا باشد که خود را وقف کاهش تنشی‌های اجتماعی و سنتیزهای

صفحه ۷

- زنان و دختران مجرد
- زنان و دخترانی که تنها سرپرستی^۱ یا نفر را به عهده داشتند
- سایر زنان و دختران" (همانجا-صفحات ۹۰-۹۱)

رهبران زن SPD، اقدامات فوق را تأیید نمودند. مثلاً Gertrud Hanna خانه زنان فدراسیون عمومی اتحادیه های کارگری آلمان بود، گفت: "چه چیزی بی‌ضررتر است، بیکاری زنان یا مردان؟ پاسخ به این سؤال بسیار مشکل است . . . من در موقعیت نامناسبی قرار دارم چرا که قادر به ارائه پیشنهادی درمورد چگونگی حل مسئله زنان در دوران کنونی نیستم. . . من تنها یک پیشنهاد دارم: زنان باید تلاش کنند تاثیر بیشتری بر مسئله اشتغال یا اخراج زنان داشته باشند". (همانجا - صفحات ۹۱-۹۲)

سازمان زنان SPD ناگزیرش تابه تشکیلاتی بدل شود که به کارهای امور اجتماعی بپردازد. در دسامبر ۱۹۱۹ SPD دفتر رفاه کارگران را به مثاباً اصلی ترین تشکیلات زنان تأسیس نمود. کنفرانس SPD در سال ۱۹۲۱، با عنوان این نکته که "زنان به دنیا آمداند تازانسان - ها حمایت کنند و لذاکار خیریه با طبیعت آنها گره خورده است" این اقدام را توجیه کرد.

زنان SPD صاحب نشریه ای شدند که با سیاست های جدید انطباق داشت. عنوان "برابری" (عنوان مجله قبلی زنان SPD) زیاده از جانقلابی و شدیدالحن بود. عنوان "دید"، "دنیای زنان" بود که دربرگیرنده داستانهای اخلاقی، الگوی لباس، طرح های مد، دستور آشپزی و در حد محدودی مطالب سیاسی بود. در سال ۱۹۲۴، هنگامی که در جریان کنفرانس زنان در برلین یکی از نمایندگان خواهان اختصاص مطالب بیشتری به بدختی و عضلات اساسی زنان در مجله "دنیای زنان" شد، یکی از اعضای مرد تحریریه این نشریه به نام دکتر "له مان" خطاب به وی گفت: "نظرمن در این مورد این است که آنها نمی خواهند فلاکت و بدختی زندگی روز مره شان حتا در اوقات فراغت"؛ جلوی چشمانشان باشد، آنها خواهان این هستند که نور امیدی را که در آینده با سوسیالیسم در زندگی آنها خواهد تابید، ببینند. من یقین دارم که این نظر اکثریت رفقاء زن که خود با فلاکت و بدختی روبرو بیند نیز هست که در نامه های متعددی که

|نشانی سازمان بر روی اینترنت:

<http://www.fedaian-minority.org>

:E-Mail
info@fedaian-minority.org



Organization Of Fedaian (Minority)

No. 394 dec 2002